روی خط حادثه

درد به جای درمان در نسخه‌های پزشک قلابی

بخشنده| همین چند وقت پیش بود که دست یک پزشک قلابی در منطقه گلشهر رو شد. شخصی که ادعا می‌کرد پزشک است و بیشتر بیمارانش اتباع افغانستانی بودند. با وجود اینکه مدت زیادی از دستگیری این پزشک قلابی نمی‌گذرد، یک جوان دیگر با جعل مدارک پزشکی به این منطقه رفت و به صورت یک پزشک شروع به ویزیت ده‌ها بیمار کرد. بیمارانی که بیشتر آن‌ها مانند خود این فرد تابعیت افغانستانی داشتند. نسخه‌های ساختگی این جوان که نه‌تنها شفا برای بیمارانش نداشت، بلکه آن‌ها را بیمارتر از پیش کرد و باعث شکایت بیمارانش از او شد. پیگیری این شکایت برعهده مأموران کلانتری گلشهر قرار گرفت که پیش از این دستگیری شیادان مختلف را در کارنامه خود داشتند. مأموران کلانتری در آغاز عملیات تجسس برای شناسایی این پزشک مرموز، به بررسی اظهارات شاکیان پرداختند. پلیس با اشراف اطلاعاتی که در این منطقه داشت، پس از شنیدن اظهارات شاکیان توانست هویت متهم را که جوانی سی‌وچهارساله بود، شناسایی کند. مأموران پلیس در ادامه عملیات خود توانستند با ردزنی یک عطاری که متهم در آن تعدادی از شاکیان را معاینه کرده بود، او را در حال معاینه یک بیمار شناسایی کنند. مأموران در تجسس از این شخص، تعدادی نسخه سفید و یک مهر نظام پزشکی جعلی کشف و به شیاد بودن این فرد اطمینان پیدا کردند.

مال‌خر دله‌دزدان قاسم‌آباد دستگیر شد

بخشنده| بیشتر دله‌دزدها و سارقان منطقه قاسم‌آباد، هر چه می‌دزدیدند به این مال‌خر می‌دادند. برای مال‌خر هم اقلام دزدی تفاوتی نداشت. دوچرخه یا تلفن همراه، موتورکولر، باتری خودرو یا موتورسیکلت، سارقان با هر وسیله‌ای وارد می‌شدند با پول خارج می‌شدند. پلیس پس از رد زنی چندین مورد سرقت محتویات خودروها در قاسم‌آباد به یک مال‌خر رسید. مأموران کلانتری قاسم‌آباد در ادامه با دستور سرهنگ مهدی نعمت‌یار، سرکلانتر غرب پلیس مشهد و با هماهنگی مقام قضایی وارد مخفیگاه این مال‌خر حرفه‌ای شدند و او را دستگیر کردند. از این مال‌خر ۱۲۰ قلم اموال مسروقه کشف و ضبط شد. این متهم با اینکه در بازجویی‌های اولیه منکر هرگونه جرمی بود، در تحقیقات پلیس با توجه به شناسایی اموال مسروقه توسط تعدادی از مال‌باخته‌ها به خرید اموال مسروقه از چند متهم به سرقت اعتراف کرد. با اعتراف این فرد تحقیقات پلیس برای شناسایی و دستگیری سارقان و کشف دیگر جرائم احتمالی ادامه دارد.

تعقیب و گریز شبانه در گلشهر

شهرآرا| صبح دیروز دو متهم سابقه‌دار با عنوان مسافر سوار یک پراید ۱۱۱ شدند. با رسیدن خودرو به منطقه‌ای خلوت در گلشهر، این دو نفر ناگهان چهره دیگری از خود به راننده نشان دادند. آن‌ها با بیرون کشیدن چاقو و قمه شروع به تهدید راننده کردند و در نهایت مالک خودرو را از پراید بیرون انداخته و از محل متواری شدند. ساعت ۳ بامداد، این دو زورگیر همچنان در حال گشت‌زنی بودند که ناگهان پس از ورود به خیابان شفیعی منطقه گلشهر، یک خودرو گشت پلیس در پشت سر آن‌ها قرار گرفت. مأموران که به این پراید و سرنشینانش مشکوک شده بودند، وضعیت پلاک خودرو را استعلام کردند. استعلامی که در پاسخش اعلام شد خودرو مورد نظر، صبح همان روز توسط دو زورگیر به سرقت رفته است. پاسخی که باعث شد مأموران به تعقیب این پراید بپردازند. راننده پراید کوشید به سرعت از محل متواری شود. تعقیب و گریز خودرو پلیس و پراید سرقتی ادامه داشت تا اینکه متهمان در یک کوچه بن‌بست به دام افتادند و دستگیر شدند. این دو متهم دارای سوابق متعدد کیفری به جرم سرقت بودند و در بازجویی‌های فنی پلیس به هشت فقره زورگیری خودرو و تلفن همراه در منطقه شرق اعتراف کردند.

جهان حوادث

مرگ ۱۴ هندی در سقوط تابلو تبلیغاتی

صدا و سیما| سقوط یک تابلو بسیار بزرگ تبلیغاتی در بمبئی هند جان چهارده نفر را گرفت و هفتاد زخمی بر جا گذاشت. این تابلو در پی طوفان شدیدی که این شهر را درنوردید، از جا کنده شد و روی یک پمپ بنزین در منطقه گاتکوپار بمبئی سقوط کرد. این حادثه در حالی رخ داد که اداره هواشناسی هند با صدور هشدارهای فوری، رعد و برق و باران شدید را برای بمبئی و مناطق اطراف آن پیش‌بینی کرده بود.

افزایش قربانیان سیل کنیا به ۲۷۷ نفر

تی‌آرتی| تعداد جان باختگان سیل ناشی از بارندگی‌های شدید درکنیا که از اواسط آوریل ادامه دارد، به ۲۷۷ نفر افزایش یافت. شرایط نامساعد جوی در این کشور حدود ۴۱۱ هزار نفر را تحت تأثیر قرار داده و ۵۶ هزار خانواده مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند. در پی سیل این کشور ۹ هزار هکتار اراضی کشاورزی آسیب دیده و ۴ هزار رأس دام نیز تلف شدند.

تصادف مرگ‌بار زنجیره‌ای در توکیو

مهرا| تصادف زنجیره‌ای شدید در بزرگراهی در پایتخت ژاپن منجر به جان باختن سه نفر شد. این سانحه بر اثر برخورد چهار کامیون و سه خودرو مسافربری در بزرگراه «شوتو» در استان سایتاما و به وقوع پیوست و سه خودرو آتش گرفتند. سه قربانی حادثه پس از محبوس شدن در خودروهای آتش گرفته جان باختند، دو مصدوم نیز به بیمارستان منتقل شدند. به نوشته رسانه‌های محلی، راننده یک کامیون در محل حادثه بازداشت شده است.

واکاوی روان‌شناختی ۳ پرونده همسرکشی اخیر در مشهد که اولین و آخرین پرونده‌های مشابه نیستند

قتل‌های ناخواسته با ریشه‌های پرتکرار

سعید جلائیان

گزارش

ملیحه و شوهرش نه‌تنها مشکل خاصی با هم نداشتند، بلکه رابطه‌شان گرم و صمیمی هم بود. آن‌ها ازدواج موقت کرده بودند، اما وقتی ملیحه می‌خواست خبر بارداری‌اش را به شوهرش بدهد، اطمینان داشت که مردش خوشحال می‌شود و زندگی‌شان دوام بیشتری پیدا می‌کند. برخلاف انتظارش، شوهرش نه‌تنها شاد نشد، بلکه همسرش را به سقط جنین تشویق کرد. موضوعی که منجر به رابطه سرد میان این زوج شد. شرایط همین‌طور پیش می‌رفت تا اینکه ملیحه ساعت ۱۵، چهاردهم اردیبهشت در خانه‌اش واقع در خیابان کشاورز، مردی را که قلبش برای او می‌زد، به ضرب چاقو کشت. بامداد همان روز جایی در منطقه مهدی‌آباد، مردی سی و هشت ساله هم همسرش را به قتل رساند. این مرد درشت هیکل در یک عصیان شبانه، آن‌قدر گردن همسرش را که شش‌ماهه باردار بود، فشار داد تا زن جان باخت. حادثه‌ای که مقابل چشمان پسر دو ساله‌شان رقم خورد. انگیزه این مرد، شک و بی‌توجهی همسرش به او بود. بعد از این دو جنایت هنوز خورشید روز بعد طلوع نکرده بود که سومین همسرکشی در مشهد رقم خورد. در این حادثه در یکی از کوچه‌های بزرگراه شهید چراغچی، زوج دیگری با هم درگیر شدند. رضا، جوانی که ۱۰ سال پیش برای دومین بار ازدواج می‌کند، از همان ابتدا با همسرش اختلاف‌هایی پیدا کرده تا جایی که مرد به خاطر این ازدواج، همسر اولش را طلاق می‌دهد و حتی پس از ۲۲ سال کار در یک مؤسسه مالی و اعتباری استعفا می‌دهد. اما هیچ‌کدام از این کارها ذره‌ای از اختلافات این زوج را کم نمی‌کند تا اینکه در آخرین دعوای آن‌ها رضا با چاقویی سی‌سانتی‌متری، ۲۴ بار به همسرش ضربه می‌زند. جنایت رضا آخرین همسرکشی آن شب بود و این سؤال را پیش آورد که این افراد راه دیگری به جز کشتن شریک زندگی‌شان نداشته‌اند؟ چرا از راهکار قانونی وارد نشده‌اند یا از نهادهای حمایتی همچون بهزیستی و حتی مراکز مشاوره‌ای پلیس استفاده نکرده‌اند؟ برای یافتن جواب همین سؤالات به سراغ کارشناسان رفته‌ایم، تا این سه حادثه تلخ، خشن و مرگ‌بار را واکاوی کنیم.

عکس: شهرآرا

قاتلانی که خود را قربانی می‌دیده‌اند

یک روان‌شناس عوامل یکسانی را در انگیزه‌های قاتلان این سه پرونده می‌بیند. دلایلی مانند ناکامی در ازدواج، نداشتن مهارت‌های زندگی، نرسیدن به نیازهای مختلف در زندگی مشترک و...

دکتر مهدی سودآوری درباره پرونده مردی که با ۲۴ ضربه همسرش را به قتل رسانده است، می‌گوید: به عقیده من رضا از پیش قتل همسرش را برنامه‌ریزی نکرده بود، این مرد احتمالا تحت هیجان در لحظه دست به این جنایت زده است. دلیل این ادعا هم این است که اگر او از پیش قصد قتل همسرش را داشت به او دو یا سه ضربه می‌زد و متواری می‌شد. وی درباره پرونده مردی که همسرش را خفه کرده معتقد است، مردی که پس از خفه‌کردن همسرش با پلیس و اورژانس تماس گرفته است، به نظرم ما شاهد نداشتن قدرت کنترل هیجان در قاتل هستیم و می‌توان گفت که شاید این مرد نیز در یک خشم آنی، دست به کشتن همسرش زده است. حتی شاید بتوان حدس زد که او ابتدا می‌خواسته قدرت بدنی‌اش را به همسرش اثبات کند یا نشان دهد که من قدرت دارم. ما در این مورد پشیمانی قاتل را می‌بینیم. این مرد احتمالا فکر نمی‌کرده که همسرش بمیرد به همین خاطر با اورژانس تماس گرفته و برای بازگرداندن همسرش به زندگی تلاش کرده است. درباره قتل دوم معمولا شاهد نگاه سنتی قاتل به زن هستیم.

سودآوری سومین همسرکشی را هم از پیش برنامه‌ریزی نشده می‌داند و می‌گوید: به نظر من باز هم تمامی شواهد نشان می‌دهد، زن در لحظه وقوع قتل تصمیمی به انجام این‌کار نداشته است. درباره دلایلی که ملیحه دست به جنایت زده، باید به برخی مدارک و عوامل توجه کرد. برای نمونه زنی به عقد موقت مردی درآمده است، حمایت‌های قانونی یک ازدواج رسمی را ندارد. این زن و شوهرش ارتباط خوبی با هم داشته‌اند. زن باردار می‌شود و تصور می‌کند که با پاقدم این بچه دیگر احتمالا ازدواجش رسمیت می‌گیرد و خانواده‌اش را تشکیل می‌دهد. اما برخلاف تصور زن، مرد برای سقط جنین پافشاری می‌کند.

این روان‌شناس با اشاره به مشترکات هر سه قاتل اضافه می‌کند: متأسفانه در هر سه پرونده شاهد خلأ قانونی هستیم، مردی تصور می‌کند عرف به او حق می‌دهد اگر شاهد خیانت همسرش بوده، می‌تواند او را بکشد. مرد دیگر نیز شاهد بوده که برادرش چند سال قبل زن خود را به بدترین شکل به قتل رسانده است، اما با وجود این پس از گذشت چند سال حبس، نه‌تنها آزاد شده بلکه با اغفال همسر برادر، به او خیانت کرده است. درباره ملیحه نیز او ازدواج قانونی داشته، اما حمایت قانون را نداشته است.

سوختن و نساختن با انگیزه‌های پنهان

رویا تاج‌الدینی تجربه هشت ساله در زمینه مشاوره فردی، ازدواج و خانواده دارد. او در ابتدا به بیان تجربیات پرتکرارش از تهدیدهای فراوان زن و شوهرها نسبت به یکدیگر می‌پردازد و می‌گوید: تاکنون ده‌ها بار از مردان یا زنان شنیده‌ام که با اطمینان کامل از افکارشان و قصدی که برای کشتن یا دست‌کم آسیب رساندن به همسرشان دارند با من صحبت کرده‌اند. حتی بارها مردان در جلسات مشاوره که برای کم‌کردن اختلافات زن و شوهر است، هنگام گفت‌وگو ناگهان رو به زن فریاد زده‌اند که «اگر بخواهی طلاق بگیری، تو را می‌کشم»، «مطمئن باش اجازه نمی‌هم زنده بمانی». او ادامه می‌دهد: چند سال قبل، در یک جلسه مشاوره با یک زن صحبت می‌کردم که ناگهان همسرش با یک بطری اسید وارد شد. من و همکارانم با زحمت زیاد مرد را از پاشیدن اسید منصرف کردیم. در یکی از موارد دیگر که واقعا به خیر گذشت، مردی در گوشی همسر دانشجویش، پیامکی از یک همکلاسی مرد می‌بیند. او گوشی زن را پرتاب می‌کند و بدون اینکه چیزی بگوید برای برداشتن چاقو و کشتن همسر به آشپزخانه می‌رود. در همین حال زن متوجه می‌شود و خودش را به اتاق خواب می‌رساند و پس از قفل کردن در از پنجره اتاق با داد و فریاد از همسایه‌ها کمک می‌خواهد که با ورود پلیس و خانواده این زن، او نجات پیدا می‌کند.

تاج‌الدینی تصریح می‌کند: در جلسات مشاوره زنان زیادی از قصد خود برای کشتن شوهرانشان صحبت کرده‌اند. وقتی از آن‌ها می‌پرسیم چرا طلاق نمی‌گیرید؟ همه طولانی و سخت بودن فرایند طلاق، سخت‌گیری خانواده‌ها، نگاه ناشایست جامعه به زنی که طلاق گرفته و... را علت آن می‌دانند. در یکی از موارد زنی گفت که در یک تالار مشغول به‌کار است و هر شب تا آخر وقت زحمت می‌کشد، اما باید نیمی از درآمدش را به شوهر معتادش بدهد، باقی حقوقش نیز خرج فرزندانش می‌شود. با وجود این شوهرش که شیشه مصرف می‌کند به او بدبین است و کتکش می‌زند. خوشبختانه توانستیم به این زن کمک کنیم.

تاج‌الدینی با اشاره به سه پرونده قتل اخیر ادامه می‌دهد: اگر بخواهیم فقط درباره این سه پرونده تحلیلی ارائه دهیم، به ویژگی‌هایی می‌رسیم که متأسفانه می‌توان آن‌ها را در زوج‌های بسیاری پیدا کرد. حتی آن‌ها که زندگی خود را با شور و عشق فراوانی آغاز کرده‌اند. بارها در پرونده مراجعان شاهد پرشدن ظرفیت روانی افراد بوده‌ایم. عوامل متعددی منجر به لبریزشدن ظرفیت متهمان این پرونده‌ها شده است، از جمله اینکه به دلیل وقوع اتفاقات و حوادثی آن‌ها دچار اختلالات روانی شده‌اند و درمان نشده‌اند. آن‌ها افسردگی داشته و ادعا می‌کنند همسرشان رفتار پرخاشگرانه‌ای داشته است. او می‌گوید: یکی از موارد پرتعداد که در این قتل‌ها حداقل در دو مورد شاهد بودیم، متأسفانه خیانت یا حداقل مشکوک شدن به وقوع آن است. شوهر در این موارد نتوانسته واکنش مناسبی نشان دهد. در واقع او سکوت کرده و تنها با دادن سیگنال به زن از او توضیح خواسته که با جواب نگرفتن، عشق تبدیل به بی‌تفاوتی شده است. همچنین در این موارد به مرور زمان، تنش بین دو طرف بیشتر می‌شود تا جایی که متوجه می‌شوند حتی دوست ندارند کنار همسر خود باشند. این شخص خود را در ازدواج و زندگی قربانی می‌بیند و در تمامی جنایت‌ها می‌بینیم که قاتل شخصی بوده که مورد ستم مقتول قرار گرفته است. این مشاور خانواده ادامه می‌دهد: می‌توان به‌راحتی پی برد که هر سه همسر در زندگی مشترک خود احساس پوچی و بی‌هدفی می‌کرده‌اند. چند سال قبل در جلساتی به نام «کارگاه ترنم زندگی» که به همت شهرداری مشهد در برخی نقاط حاشیه شهر برگزار می‌کردم، در این جلسات زنان زیادی می‌آمدند و می‌گفتند شوهرشان اعتیاد دارد، خیانت می‌کند، بیکار است، آن‌ها را کتک می‌زند و... اما با وجود این پدر و مادر آن‌ها می‌گویند حق ندارند حتی اسم طلاق را بیاورند.

همسرکش‌های همسرآزار

دکتر مجید فولادیان، استاد دانشگاه فردوسی، از مدتی قبل در حال انجام پروژه‌ای تحقیقاتی درباره همسرکشی است. او درباره نتایج تحقیقاتش می‌گوید: درباره پروژه قتل و مصاحبه با مردان همسرکش، اگر بخواهم به متغیرهای مهمی که به آن دست یافته‌ام اشاره کنم، پرونده‌های چند وقت اخیر مربوط به قتل‌هایی است که معمولا مرد در ساختار سنتی متولد شده است و ارزش‌های جامعه سنتی مانند غیرت و شاخصه‌های مذهبی برایش مهم بوده است. از طرفی این مرد با زنی ازدواج کرده که او به سوی مدرن شدن حرکت می‌کند و یک سری مطالبه حقوقش را دارد و می‌خواهد. این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: وقتی مرد در جامعه سنتی بزرگ شده باشد، نمی‌تواند این خواسته‌ها را قبول کند و به این ترتیب تنش بین آن‌ها آغاز می‌شود. این تنش وقتی به نقطه خاصی می‌رسد، می‌تواند حتی منجر به قتل شود. البته گاهی زن‌ها نیز برای رسیدن به خواسته‌های خود به‌ویژه برای تثبیت در جامعه اقداماتی می‌کنند. معمولا زن‌ها اگر اتفاقی برای شوهرشان رخ دهد یا طلاق بگیرند، حمایت خیلی خاصی از سمت ساختار اجتماعی نمی‌بینند. خود زن باید دنبال راه‌هایی باشد تا بتواند موقعیتش را تثبیت کند. مانند اینکه برود دنبال ضمانت‌های مالی از همسرش، که این مطالبات با عقاید مرد در تناقض است.

فولادیان ادامه می‌دهد: معمولا مدرن‌شدن زنان و مطالبه بیشتر و بیش از حد نیاز زن و... به جایی می‌رسد که بیشتر از توان ذهنی مرد جامعه سنتی است. برای نمونه مرد به همسرش می‌گوید: «من اجازه نمی‌دهم با این لباس بیرون بروی»، زن هم به عنوان یک خواسته جدی خود این لباس را می‌پوشد و بیرون می‌رود. مرد چاره‌ای نمی‌بیند جز اینکه از حیثیت و مردانگی‌اش دفاع کند.

وی درباره اینکه آیا می‌توان جلوی این قتل‌ها را گرفت؟ می‌گوید: بله، در گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی که با قاتلان داشته‌ام متوجه شدم که بسیاری از قاتلان سابقه همسرآزاری داشته‌اند. آن‌ها بارها همسر خود را کتک زده‌اند و لی ادله زن‌ها برای طلاق پذیرفته نشده و زندگی با همین مشکلات ادامه یافته است. باید سیستم قضایی در زمینه همسرآزاری حساس‌تر باشد. می‌توان حکم طلاق را در مواقعی سریع صادر کند یا با مشاوره‌های روان‌شناسی جلو برخی از قتل‌ها را گرفت.
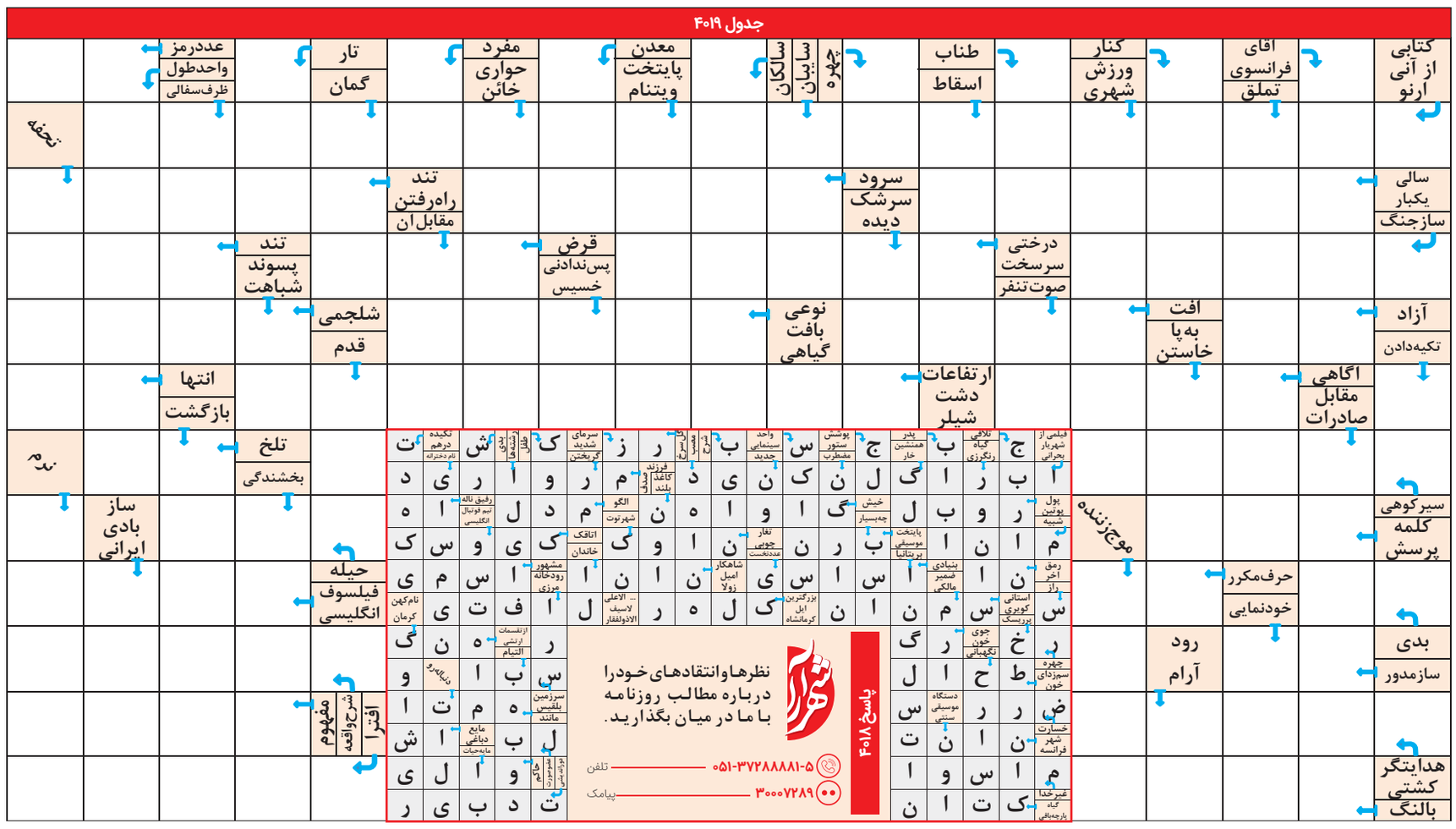
جدول ۴۰۱۹